



در این مقاله تلاش می‌شود پس از بیان مفهوم، ویژگی‌ها، اهداف و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، زمینه‌هایی که در آن‌ها مشارکت مدرسه می‌تواند محقق گردد، تبیین شود. به عبارت دیگر، این مجموعه گزارشی است که در آن به نقش مدرسه برای تحقق پیام بنیادی اندیشه اقتصاد مقاومتی که همانا تلاش برای تخصیص کارای منابع در کشور و مدرسه در شرایط محیطی آکنده از تهدیدها و تهدیدهاست، پرداخته می‌شود.

■ چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی

تعریف، اهداف، ویژگی‌ها، راهبردها و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از مفاد سیاست‌های کلی ابلاغی «اقتصاد مقاومتی» و پاسخ به ۱۰ پرسش از سوی مقام معظم رهبری استخراج و تدوین شده است. البته در گزینش مطالب، به این نکته توجه شده است که هدف نهایی از تهیه این گزارش، تدوین فهرستی جامع از راهبردها، سیاست‌ها و اقدامات برای تحقق مشارکت مؤثرتر مدرسه در پیاده‌سازی اهداف اقتصاد مقاومتی در کشور و آموزش و پرورش است. بر این اساس، اقتصاد مقاومتی عبارت است از: «اقتصادی که حرکتش در مسیر دستیابی به توسعه اقتصادی، با وجود تهدیدها و تحریم‌ها، به ظرفیت‌های درونی خود متکی و پایه‌های آن در برابر تکانه‌های اجتماعی و اقتصادی مقاوم و مستحکم است.»

برای اقتصاد مقاومتی چند هدف برشمرده شده است: تأمین رشد پویا؛ بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی؛ دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله؛ ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط؛ ارتقای جایگاه جهانی کشور و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه؛ افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان؛

دکتر عبدالله انصاری

نقش مدرسه در توسعه اقتصاد مقاومتی

راهبردها و سیاست‌های مشارکت مدرسه در پیاده‌سازی اندیشه اقتصاد مقاومتی

ارتقای بهره‌وری و استفاده بهینه از عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار).

ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی نیز عبارت‌اند از: درون‌زا؛ مردم‌بنیاد (مبتنی بر اراده، سرمایه و حضور مردم)؛ دانش‌بنیان؛ عدالت‌محور (عدالت اقتصادی و اجتماعی).

ظرفیت‌های کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی چنین عنوان شده‌اند: سرمایه انسانی کافی (نیروهای مجرب، ماهر و تحصیل‌کرده)، منابع طبیعی موجود (ذخیره منابع انرژی یعنی نفت و گاز و دیگر معادن، موقعیت جغرافیایی مناسب (امکان بهره‌برداری از مزایای ناشی از حمل‌ونقل و دسترسی به بازارهای خارجی)؛ وجود بازار داخلی (جمعیت ۷۸ میلیون نفری)؛ وجود زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری.

در این راستا وظایف دولت نیز برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت، نظارت و کمک، آماده‌سازی و تسهیل شرایط، جلوگیری از سوءاستفاده و فساد اقتصادی هستند.

البته برای پیاده‌سازی اندیشه اقتصاد مقاومتی، سیاست‌هایی معرفی شده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

● مبارزه با فساد از طریق شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن، و نیز جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا.

● ارتقای بهره‌وری از طریق محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد و تقویت رقابت‌پذیری.

● تقویت تولید از طریق حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات، ترویج تولید ملی از مسیر «مصرف تولیدات داخلی» و کاهش هزینه‌های تولید.

● تخصیص بهینه منابع مالی از طریق حذف هزینه‌های زاید، صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور، تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور، مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز و کاهش وابستگی بودجه به نفت.

● تقویت سرمایه انسانی از مسیر افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه

● توسعه اشتغال با تأکید بر اشتغال مولد، توسعه کارآفرینی و توانمندسازی نیروی کار.

● به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های

اقتصادی.

● تقویت فرهنگی از طریق تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفت‌وگو سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای؛ تبدیل اقتصاد مقاومتی به گفت‌وگو فراگیر و رایج ملی؛ تشویق همکاری‌های جمعی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در امتداد سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی.

با توجه به جایگاه اصلاح الگوی مصرف در مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تناسب بیشتر آن با مأموریت آموزش و پرورش، عرصه طراحی و اجرای سیاست‌های زیر می‌تواند محلی برای تحقق مشارکت مؤثرتر مدرسه باشد:

اهداف مجموعه سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف عبارت‌اند از: اصلاح فرهنگ مصرف فردی، اجتماعی و سازمانی؛ کاهش مستمر «شاخص شدت انرژی».

سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف بر سه مورد تأکید دارند: ارتقای سطح بهره‌وری، مدیریت مصرف و افزایش بهره‌وری در مصرف انرژی.

■ زمینه‌های تحقق مشارکت مدرسه در پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی

دسته‌بندی زمینه‌های مشارکت آموزش و پرورش برای پیاده‌سازی اندیشه اقتصاد مقاومتی، بر طبقه‌بندی موضوعی اقتصاد آموزش مبتنی است. اقتصاد آموزش و پرورش شاخه‌ای کاربردی از علم اقتصاد است که درصدد تبیین رفتار تخصیص منابع در آموزش و فعالیت‌های آموزشی است و دامنه موضوعی کارایی خارجی (تأثیر آموزش و سرمایه‌گذاری آموزشی بر اقتصاد و جامعه)، کارایی داخلی (به‌کارگیری اصول و نظریه‌های علم اقتصاد برای تحلیل مسائل آموزشی و چگونگی تولید و ارائه خدمات آموزشی در راستای تخصیص کارا و استفاده بهینه از منابع محدود) را در برمی‌گیرد. قلمروهای موضوعی یادشده عبارت‌اند از:

۱. کارایی خارجی (منافع آموزش و پرورش شامل پیامدهای اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی ناشی از ارائه خدمات آموزشی) دو گروه از منافع را در برمی‌گیرد:

۱. منافع شخصی آموزش (که به طور مستقیم نصیب افراد آموزش دیده می‌شود) و منافع غیرمستقیم آموزش (که نصیب کل جامعه می‌شود).

۲. نحوه تولید خدمات آموزشی (به کارگیری نظریات علم اقتصاد و مدیریت برای بهبود رفتار تخصیص منابع در داخل واحد آموزشی).

■ راهبردها، سیاست‌ها و اقدامات مدرسه برای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی

با توجه به نکات فوق و استفاده از چارچوب مفهومی برنامه راهبردی (استراتژیک)، مجموعه راهبردها، سیاست‌ها و اقدامات مدرسه در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی را می‌توان در راهبردهای زیر دسته‌بندی کرد:

راهبرد گسترش مشارکت و سهم مدرسه در پیاده‌سازی اندیشه و تقویت فرهنگ اقتصاد مقاومتی می‌تواند مؤثر باشد. مدیریت مدرسه می‌تواند وظایف برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت، نظارت و کمک، آماده‌سازی و تسهیل شرایط، تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفت‌وگوهای آن را، به‌ویژه در محیط‌های آموزشی، برعهده بگیرد.

به‌ویژه مدرسه می‌تواند برای پیاده‌سازی سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف (اهداف اصلاح فرهنگ مصرف فردی، اجتماعی و کاهش «شاخص شدت انرژی» در جامعه) و ترویج مصرف کالاهای داخلی در کشور، به‌گونه کارسازی یاری رساند. به‌طور خلاصه، می‌توان قلمروهای دو گانه آموزشی و فرهنگی زیر را برای سیاست‌گذاری و عملکرد مدرسه لحاظ کرد:

در قلمرو فعالیت‌های آموزشی: مدرسه می‌تواند برای دانش‌آموزان و والدین برنامه‌ها و فعالیت‌هایی را در این زمینه‌ها سامان‌دهی کند: ۱. گفت‌وگوهای پیاده‌سازی در زمینه‌هایی چون ابعاد اقتصاد مقاومتی، اشتغال مولد، توسعه کارآفرینی، اقتصاد دانش‌بنیان، ارتقای بهره‌وری و استفاده بهینه از عوامل تولید، اقتصاد عدالت‌محور (عدالت اقتصادی و اجتماعی) و اقتصاد مردم‌بنیاد (اقتصاد مبتنی بر اراده، سرمایه و حضور مردم)؛ آموزش همگانی الگوی مصرف مطلوب (آموزش اصول و روش‌های بهینه‌سازی مصرف (به‌ویژه اصلاح الگوهای مصرف انرژی، آب و نان در کلیه پایه‌های آموزش عمومی).

در قلمرو امور فرهنگی و برای مخاطبان مستقیم و غیرمستقیم مدرسه (دانش‌آموزان و خانواده‌ها)، سیاست‌های زیر را می‌توان مدنظر قرار داد: ۱. ترویج فرهنگ صرفه‌جویی و قناعت، مقابله با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی، مقابله با اسراف و تبذیر، مقابله با تجمل‌گرایی، ترویج مصرف کالاهای داخلی، مقابله با مصرف کالای خارجی با استفاده از ظرفیت‌های آموزشی، ابراز حساسیت عملی نسبت به فساد و محصولات و مظاهر فرهنگی مروج اسراف و تجمل‌گرایی، مقابله با مصرف کالای خارجی با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، هنری و رسانه‌ها، توسعه و ترویج فرهنگ بهره‌وری با تأکید بر شاخص‌های کارآمدی، مسئولیت‌پذیری، انضباط و رضایتمندی.

برای پیاده‌سازی این سیاست‌ها می‌توان به اقداماتی توسل

جست؛ از جمله:

- برگزاری جلسات آموزش خانواده: اطلاعات دادن به خانواده‌ها درباره وضعیت مصرف و تولید در کشور به شیوه‌های سخنرانی، قصه‌گویی، نمایشگاه سبک زندگی، ارائه انواع الگوهای مصرف در میان اقوام، آثار هنری (خوش‌نویسی، نمایش، تئاتر، پانتومیم، عکاسی، نقاشی، برگزاری مسابقه (مقاله و خاطره‌نویسی، روزنامه‌دیواری و انتشار تجربه‌ها).

- افزایش کارایی و بهره‌وری در تولید و ارائه خدمات آموزشی با سیاست‌هایی از قبیل بهبود وضعیت برنامه‌ریزی آموزشی و درسی به منظور ارتقای سطح کارایی، اثربخشی و بهره‌وری در سطح مدرسه؛ بازنگری در شیوه‌های مدیریت و رویه‌های اجرایی مؤثر بر کارایی و بهره‌وری؛ افزایش مشارکت معلمان و سایر کارکنان برای بهبود سطح کارایی و بهره‌وری؛ استفاده کارا از فضای آموزشی؛ ارتقای سطح کارایی و بهره‌وری در شیوه‌های مختلف آموزشی؛ بهبود شیوه‌های برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی، تخصیص منابع و هزینه پیاده‌سازی هدف اصلاح فرهنگ مصرف؛ کاهش «شاخص شدت انرژی»؛ ترویج مصرف کالاهای داخلی در محیط مدرسه.

در این راستا می‌توان به چند سیاست توسل جست؛ از جمله: پیشگامی مدرسه در رعایت الگوی مصرف؛ اولویت دادن به افزایش بهره‌وری در تولید و مصرف انرژی در محیط مدرسه؛ تدوین و اجرای سند مدرسه در اصلاح الگوی مصرف انرژی و آب؛ استقرار نظام پیشنهادات؛ توسعه پژوهش‌های دانش‌آموزی در راستای بهینه‌سازی مصرف انرژی در محیط مدرسه.

مدیریت مدرسه می‌تواند برای اجرای سیاست‌های فوق به مواردی مانند اقدامات زیر دست یازد:

تشویق پیشنهادهای، ابتکارات عنوان شده، استقرار فضای رقابتی (در میان مدارس همجوار، پایه‌ها و گروه‌های دانش‌آموزی)، تدارک محیط مناسب برای توسعه همکاری‌های جمعی دانش‌آموزان برای بهبود سطح بهره‌وری در استفاده از فضا، نیروی انسانی، تجهیزات در محیط مدرسه، صرفه‌جویی و جلوگیری از اتلاف انرژی (سوخن، برق و آب) در مدرسه، اندازه‌گیری و رصد وضعیت مصرف انرژی و آب در مدرسه از بابت کاهش مستمر «شاخص شدت انرژی» توسط دانش‌آموزان، پایش و ارتقای سطح سواد مصرفی دانش‌آموزان در زمینه‌های شناختی (دانشی)، عاطفی (نگرشی) و رفتاری، ارائه طرح‌هایی برای تولید بخشی از انرژی مورد نیاز مدرسه از محل انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک (مانند به‌کارگیری باتری و آب‌گرمکن‌های خورشیدی)، ایجاد بازاری برای مبادلات کالاها و خدمات در میان دانش‌آموزان، پیش‌بینی تشویق برای ابراز عملی حساسیت دانش‌آموزان نسبت به محصولات و مظاهر فرهنگی مروج اسراف و تجمل‌گرایی، مصرف کالای خارجی.

ناگفته روشن است که این پیشنهادات با ابتکارات و خلاقیت مدیران مدارس کامل‌تر و پربارتر می‌شود.